

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

اشترای استصباح تحت السماء

عرض کردیم مرحوم شیخ اعظم انصاری (قدس سره)، در بحث بیع دهن متنجس فروعی را عنوان فرمودند؛ فرع اول و دوم تمام شد. فرع سوم این است که آیا روغنی که نجس شده و بایع به مشتری می‌فروشد و مشتری باید در استصباح بعنوان روغن چراغ استفاده کند، آیا شرط است که استصباح تحت السماء باشد، یعنی در يك فضای باز باشد و در نتیجه اگر استصباح تحت السقف باشد جایز نیست، آیا شرط هست که این استصباح حتماً تحت السماء باشد یا خیر؟

اقوال در مسأله

مرحوم شیخ (ره) در کتاب مکاسب به مشهور نسبت داده‌اند که مشهور قائلند که باید استصباح تحت السماء باشد و تحت السقف جایز نیست. بعضی از بزرگان دیگر، عکس این را به مشهور نسبت داده‌اند و گفته‌اند مشهور قایل هستند به اینکه این استصباح مطلق است می‌خواهد تحت السماء باشد، می‌خواهد تحت السقف باشد. بلی، عده‌ای در مقابل مشهور قایل شده‌اند که این استصباح باید تحت السماء باشد. بنابر این در این مسأله، هم قول به اینکه حتماً باید در زیر آسمان باشد به مشهور نسبت داده شده است، و هم عدم اشتراط آن به مشهور نسبت داده شده است. اکثر فقهاء عامه قایل هستند که این اشتراط درست نیست، الا آنجایی بخواهند که در مسجد بخواهند این را استفاده کنند، که گفته‌اند آنجا جایز نیست. اگر تحت سقف مسجد باشد آنجا جایز نیست. در این مسأله؛ پس يك قول این است که این تحت السماء اعتبار دارد. قول دوم این است که لازم نیست تحت السماء باشد. قول سوم این است که آنجایی که سقف مسجد است جایز نیست اما در غیر مسجد مانعی ندارد. قول چهارمی هم مرحوم علامه در کتاب مختلف دارد؛ ایشان تفصیل داده و فرموده این دهن متنجس که اجزاء آن تصاعد پیدا می‌کند، دخان و دود او تصاعد پیدا می‌کند، اگر همراه با دود، بعضی از اجزاء دهن هم تصاعد پیدا کند جایز نیست، اما اگر همراه با او بعضی از اجزاء تصاعد پیدا نکند مانعی ندارد.

بررسی مبانی در مسأله

اینجا ما وقتی کلمات فقها را ملاحظه می‌کنیم چند مطلب مورد توجه فقهاء واقع شده است. يك مطلب این است که آیا دخان نجس، نجس است یا نه؟ اگر يك چیزی نجس بوده، دود او هم نجس است یا نه؟ شبیه این مسأله را در کتاب الطهارة، باب بخار بول مطرح می‌کنند؛ که آیا بخاری که از بول تصاعد پیدا می‌کند نجس است یا نجس نیست؟ در اینجا بعضی از فقها روی این

مبنا که دхан شیءنجس، نجس است، یعنی اگر يك چیزی خودش نجس بود و شما آنرا آتش زدید و دودی از او تصاعد پیدا کرد، این دхан نجس است، گفته اند حالا که دхан نجس، نجس است، اینجا دهن متنجس را که برای استصباح استفاده می کنند باید تحت السماء باشد تا سقف نجس نشود. **مبنای دوم** این است که گفته اند این يك امر تعبدی است و اصلاً ارتباط به این که دхан نجس، نجس است ندارد، یعنی ولو ما قایل می شویم به این که دхан نجس، نجس نیست، اما تعبداً شرط شده است که این دهن متنجس را که مشتری برای استصباح استفاده می کند، تعبداً باید تحت السماء استفاده کند و تحت السقف نباید استفاده کند.

يك مبنای سومى

هم در کلمات مطرح است و آن این که گفته اند مجرد این که بگوییم دхан نجس، نجس است کافی نیست، بلکه باید بگوییم **تنجیس السقف** هم حرام است، باید بگوییم این نجس که تصاعد پیدا می کند و دودش به سقف می خورد، دхан نجس نجس است اولاً و تنجیس السقف هم حرام است ثانیاً. آن وقت از همینجا چون ما دلیلی در شریعت نداریم که تنجیس السقف حرام باشد، بلکه اصلاً کسی می خواهد عمداً دست خونی اش را به دیوار و کف این اتاق بزند، دلیلی نداریم بر اینکه تنجیس حرام است. بله، گفته اند اگر مسجد باشد، در مسجد یا مشاهد مشرفه دلیل داریم بر این که تنجیس آنها حرام است. پس دقت کنید که اینها نکات اجتهادی و مبنایی است که در این بحث وجود دارد. اینجا چند مطلب باید ذکر کنیم، تا ان شاء الله تحقیق مسأله روشن شود. خود مرحوم شیخ انصاری (قده) در آخر می فرماید «و المسألة محل اشكال»، یعنی نمی توانند آخرش از این مسأله يك نتیجه واضحی بگیرد، که آیا تحت السماء بودن شرطیت دارد یا شرطیت ندارد. حالا ما باید چند مطلب را بررسی کنیم.

بررسی عبارات فقهاء

اینجا مناسب است که ابتدا عبارات فقهاء را ببینیم. اول ببینیم که از نظر فتوا، مشهور فقهاء چه می گویند؟ آیا مشهور فقهاء همانی است که شیخ (ره) در مکاسب فرموده؛ که شیخ (قده) فرموده که مشهور قایل هستند که تحت السماء بودن معتبر است. و یا مشهور آن است که درکلمات بعضی دیگر از فقهاء آمده که گفتند مشهور این است که تحت السماء بودن معتبر نیست؛ ما برای اینکه این مسأله حل شود عبارات فقهاء را مطرح می کنیم .

مرحوم شیخ مفید (قده) در کتاب مقنعه، کتاب اطعمه: «جاء الاستصحاب به تحت السماء و لم يجوز تحت الضلال - آنجایی که سقف دارد جایز نیست - بعد - فرموده: و لا يجوز اكله - یعنی اكل این دهن متنجس جایز نیست، و لا الادهان به - آدم بخواهد بدنش را روغن مالی کند جایز نیست، علی حال به هیچ حالی.

مرحوم شیخ طوسی (قده) در کتاب نهایه، شیخ در جمیع کتبش يك مطلبی دارد و در کتاب مبسوط يك مطلب دیگری دارد. در نهایه در کتاب اطعمه فتوا داده «لا يجوز الاستصحاب به تحت الضلال» شیخ طوسی هم همان فتوای شیخ مفید را دارد. در کتاب الخلاف، در کتاب البیع، در مسأله 312 فرموده «يجوز بيع الزيت النجس لیستصبح به تحت السماء»، باز در اینجا هم کلمه «تحت السماء» را آورده است. و بعد اقوال عامه را هم نقل کرده است: و قال ابو حنیفه «يجوز بيعه مطلقاً» مطلقاً جایز است، می خواهد تحت السماء باشد و می خواهد تحت السماء نباشد، می خواهد استصباح باشد و می خواهد نباشد «و قال مالك و شافعی لا يجوز بيعه بحال» آنها که گفته اند اصلاً بیع دهن متنجس جایز نیست. شیخ طوسی (قده) در کتاب مبسوط در کتاب البیع فرموده «يجوز بيع الزيت النجس لمن یصبح به تحت السماء» روغن نجس را می شود فروخت به کسی که تحت السماء بعنوان روغن چراغ استفاده می کند، بعد فرموده «ولا يجوز الا لذلك». - این عبارات فقهاء را خیلی دقت کنند و به آن اعتنا کنید، مکرر عرض کرده ام که فقیه آن کسی است که تسلط بر اقوال و فتاوی فقهاء از متقدمین و متأخرین داشته باشد - .

در همین کتاب مبسوط، منتها در کتاب الاطعمه دارد «رواه اصحابنا، انه یصبح به تحت السماء دون السقف». باید از دهن

متنجم تحت السماء استفاده کرد دون السقف «و هذا يدل على انه دخانه نجس» این دلالت بر این دارد که دخانش نجس است «غير ان عندی ان هذا مكروه» [«هذا» یعنی استصباح تحت السقف. در کتاب مبسوط در کتاب الاطعمه اش فتوا داده استصباح تحت السقف مكروه است، در حالیکه در همین کتاب مبسوط در کتاب البیعت فرموده «يجوز بيع الزيت النجس لمن يستصبح به تحت السماء».

مرحوم ابن ادریس در کتاب سرائر فرموده «و لا يجوز الاستصباح به تحت الضلال»، باز ابن ادریس می‌گوید تحت ضلال جایز نیست «لا لان دخانه نجس» نه از باب اینکه دخانش نجس است، «بل تعبد تعبدنا به» تعبدی است که ما متعبد به آن شده‌ایم، «لان دخان اعيان النجسة و رمادها طاهر عندنا بغیر خلاف عندنا» دخان و خاکستر اعیان نجسه در نزد ما امامیه طاهر است و خلاقی در آن نیست «و لا يجوز الادمان به» فرموده با دهن متنجم نمی‌شود بدن را روغن مالی کرد «و لا استعماله فی شيء من الاشياء سوى الاستصباح تحت السماء» فقط بعنوان استصباح تحت السماء می‌شود استفاده کرد.

«ثم قال» بعد ابن ادریس گفته «ما ذهب احد من اصحابنا الى ان الاستصباح به تحت الضلال مكروه»، در رد شیخ طوسی فرموده احدی از فقهاء قایل نشده که استصباح تحت ضلال مكروه است «والمحذور بغیر خلاف بینهم» تحت ضلال بدون هیچ خلاقی بین فقهاء ممنوع است «و شيخنا ابو جعفر محجوب بقوله فی جميع كتبه الا ما ذكره هو هنا» می‌فرماید این که شیخ ما (شیخ طوسی) گفته استصباح تحت سقف مكروه است، این قولش مردود است و خود شیخ مأخوذ و «محجوب» است، محجوب یعنی ما علیه او حجت اقامه می‌کنیم به تمام مطالبی که خودش در کتب دیگری گفته است.

یعنی در کتاب خلاف، در کتاب نهایی، در تمام اینها شیخ طوسی فتوا داده است که استصباح باید تحت السماء باشد، پس ما با همین اقوال خود شیخ طوسی در کتب دیگرش علیه خودش استدلال می‌کنیم. بعد فرموده است «فالاخذ بقوله و بقول اصحابه» اگر ما بقول شیخ طوسی اخذ کنیم که در کتب دیگرش فرموده استصباح باید تحت السماء باشد و فقهاء دیگر هم این حرف را زده‌اند این «اولی من الاصل بقول المنفرد یا متفرد عن اقوال اصحابنا». لذا این اولی است از این که ما بگوییم به آن قول کراهتش عمل کنیم. پس تا اینجا شیخ مفید، خود شیخ طوسی در نهایی، دوم در بیع خلاف، سوم در بیع مبسوط و همچنین ابن ادریس گفته‌اند باید استصباح تحت السماء باشد، ابن ادریس که اصلاً می‌گوید این مسأله بغیر خلاف هم هست عندنا، یعنی ابن ادریس در مسأله ادعای اجماع هم کرده است.

مرحوم علامه (قده) در کتاب مختلف، ابتدا کلام شیخ طوسی را نقل کرده و کلام ابن ادریس را هم نقل کرده است و بعد به ابن ادریس حمله کرده، فرموده «هذا الرد على شيخنا جهل منه و سخف» این ردی که ابن ادریس بر شیخ طوسی کرده از باب جهالتش بوده و از باب امر سخیف، «فان الشيخ (رحمه الله) اعرف باقوال علمائنا»، شیخ طوسی نسبت به ابن ادریس نسبت به اقوال علمای امامیه اعرف است «و المسائل الاجماعیه و الخلافیه» نسبت به مسائل اجماعی و خلاقی اعرف است «و الروایات الواردة هنا فی التهذيب مطلقة غير مقيدة بالسماء»، روایاتی که در باب استصباح است، مطلق است، ما در بین این روایات يك روایتی که قید تحت السماء داشته باشد نداریم، سپس علامه (ره) این روایات، را ذکر کرده «ثم قال اذا عرفت هذا فنقول لا استبعاد فيما قاله شيخنا فی المبسوط من نجاسة دخان دهن المتنجم لبعده استحالة كله» می‌فرماید ما کلام شیخ طوسی در مبسوط را می‌پذیریم که دخان نجس، نجس است. چرا؟ چون بعید است تمام اجزاء استحاله پیدا کند، «بل لابد و ان يتصاعد من اجزائه قبل احالة النار لها بسبب سخونة المكتسبه من النار» بخاطر آن گرمی و حرارتی که از نار این اجزاء پیدا می‌کنند بعضی از خود اجزاء تصاعد پیدا می‌کنند قبل از این که استحاله شوند «الی ان تبقى الضلال» مرحوم علامه بالاخره تفصیل می‌دهد که اگر از خود اجزاء این دهن تصاعد به سقف پیدا کرده اینجا بگوییم جایز نیست و اگر پیدا نکرد بگوییم اشکالی ندارد.

ابن براج در مذهب، ایشان هم فرموده «يجوز استعماله الا فی الاستصباح به تحت السماء و لا يجوز الاستصباح تحت السقف» ایشان هم تصریح کرده که استصباح تحت السقف جایز نیست، و نیز گفته است «و لا يجوز استصباح تحت ما يستضل به

الانسان»، خیمه‌ای که انسان درست می‌کند، يك سایبانی که انسان بعنوان سایبان استفاده می‌کند، فرموده همه اینها جایز نیست.

مرحوم محقق در کتاب شرایع، ایشان هم همین فتوا را دارد که «جاز الاستصباح تحت السماء و لا يجوز تحت الاضله و هل ذلك لنجاسة دخانه، الاقرب لا، بل هو تعبد»، مرحوم محقق در شرایع فرموده تحت اضله جایز نیست، بعد فرموده این از باب نجاست دخان هم نیست بلکه عنوان تعبد را دارد. سپس محقق، ابن براج در مهذب، و همچنین کلامی هم ابن زهره در غنیه دارد، شیخ طوسی در مبسوط، و نیز در خلاف، درنهایه، و شیخ مفید هم در کتاب مقنعه، این کلام را فرموده اند، این کلام را فرموده اند. هفت نفر از فقهاء طراز اول از متقدمین و يك مقداری از متأخرین پیدا کردیم که اینها فتوا داده‌اند که استصباح تحت السقف جایز نیست. این روشن می‌کند همان کلامی را که شیخ انصاری(قده) در مکاسب می‌گوید.

بررسی ادعای اجماع ابن ادریس

البته يك اختلاف مبنایی وجود دارد و آن این است که آیا به همین چند فتوای مهم، می‌توانیم ادعای شهرت کنیم یا نه؟ برخی می‌فرمایند بلی، نه تنها با همین چند فتوا می‌شود ادعای شهرت کرد، بلکه می‌شود ادعای اجماع هم کرد. حتی، مرحوم آقای بروجردی(قدس سره) و تلامیذ ایشان این مبنا را دارند. اما برخی دیگر قایل هستند که با این چند فتوا نمی‌شود شهرت را بدست آورد. این همه فقهای فراوانی که داشتیم، باید کتب و فتاوی آنها را بررسی کنیم. با این چند فتوا نمی‌شود ادعا کنیم که مسأله از باب شهرت است.

نظر مرحوم خوئی(ره)

لذا چون مرحوم آقای خوئی(قدس سره) همین مبنای دوم را دارد، یعنی می‌فرمایند با این چند فتوایی که برخی از اکابر متقدمین و متأخرین دارند نمی‌شود ادعای شهرت کرد، تازه اگر هم ادعا شود از جهت کبروی قبول ندارند، ایشان در کتاب مصباح الفقاهة می‌فرمایند که مشهور می‌گویند این تحت السماء بودن اعتباری ندارد، و غیرمشهور می‌گویند باید تحت السماء باشد.

ما همان مبنای مرحوم بروجردی را داریم مکرر هم عرض کردیم این مبنا مبنای درست هم هست که ما از این مقدار فتاوی فقهاء که از اعیان فقهاء هستند می‌توانیم شهرت را کاملاً استفاده کنیم. حالا باید ببینیم دلیل چیست؟ دلیلی که این استصباح باید تحت السماء باشد و تحت السقف جایز نیست دلیل چیست؟

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین.